

مبحث چهارم: معامله محاباتی

مبحث چهارم: معامله محاباتی (۱)

همیشه رشوه ای که به قاضی داده می شود، از قبیل پول و جنس نیست؛ گاهی با قاضی معامله ای می شود که متضمن سود فراوان برای جلب نظر اوست؛ مثلاً جنسی را ارزان تر از قیمت بازار به قاضی می فروشد. البته باید این تفاوت قیمت جنس با بازار به طور واضح مشخص باشد. یا جنس قاضی را به چند برابر قیمت واقعی آن می خرد. در معامله محاباتی فرقی نمی کند که قاضی فروشنده باشد یا خریدار، یا معامله بیع باشد یا اجاره یا ...؛ مثلاً قاضی را برای مشاوره حقوقی و امثال آن به چند برابر اجرت عملش اجیر کنند. (مکاسب محرمة، ج ۲۰۴، ص ۲)

معامله محاباتی چند صورت دارد:

۱. قصد او از این معامله همان محابات "یعنی رانت دادن" است.

مثال: فرض کنید قاضی به انگشتی خیلی علاقه مند باشد و فروشنده نیز چنانچه قصد تغییر حکم قاضی را نداشت، برای فروش آن انگشت با وی وارد معامله نمی شد. ولی برای اینکه حکم قاضی را جلب کند، این معامله را انجام می دهد. در این صورت اصل معامله به عنوان محابات است، اگر چه جنس را به قیمت هم بفروشد.

۲. اصل معامله محاباتی نیست؛ فرض کنید طرف دعوا شغلش فروش ملک و ماشین باشد. اما زمانی که قاضی به عنوان مشتری پیش او می آید، این جنس را ارزان تر از آنچه به دیگران می دهد، به او بدهد. فرض کنید خانه ۵۰ میلیونی را به او ۲۰ میلیون بفروشد. قصد او از این ارزان فروشی این است که در حکم قاضی تأثیر بگذارد. بنابراین قصد معامله را دارد، اما آن محابات به خاطر جلب حکم قاضی به نفع خود است.

۳. نوع سوم مانند نوع دوم، اصل معامله را قصد دارد، ولی محابات آن در مقابل حکم قاضی نیست و با قاضی هم شرط نکرده است که این سود را در مقابل آن حکم بدهد. بلکه می خواهد دل قاضی را نسبت به خود نرم، و محبت او را به خود جلب کند تا اگر به خاطر پرونده ای به قاضی مراجعه کرد، قاضی طبق میل او حکم دهد.

۴. معامله صوری است و در واقع می خواهد پولی را به دست قاضی برساند. ولی چون از پیامدهای برملا شدن این قضیه می ترسد، معامله ای صوری انجام می دهد.

در سه قسم اول، قصد جدی برای معامله وجود دارد، منتها این قصد در هر سه قسم ناشی از غرض محاباتی است، نه اینکه اصلاً قصد جدی معامله را ندارد. ولی در این قسم اصلاً قصد معامله وجود ندارد. معامله در همه این اقسام حرام و باطل است. (مکاسب محرمة، ج ۲۰۴، ص ۶-۲)

محابات عملی

افعال نیز ممکن است مانند اعیان، مصداق رشوه باشد؛ مثلاً در صورتی که جنس گران بها یا کمیابی در اختیار شما باشد و قاضی نیز چشمش به دنبال آن باشد و بخواهد به قیمت هم بخرد، نه ارزان تر، و شما راضی نباشید این جنس را به کسی بفروشید، در صورتی که آن را حتی به همان قیمت واقعی به قاضی بفروشید، در اینجا مال به طریق محاببات به قاضی منتقل نمی شود، بلکه نفس این معامله و این عمل، محاببات و رعایت حال قاضی است و رشوه محسوب می شود. (مکاسب محرمة، ج ۲۰۵، ص ۳)

[۱]. معامله محاباتی، یعنی معامله ای که در ضمن آن، یکی از متعاملین نسبت به دیگری یک محاببات و ملاحظه ای انجام بدهد؛ مثلاً قیمت را کم بگیرد، یا جنس را بیشتر و بهتر از آنچه در مقابل قیمت است بدهد. (مکاسب محرمة، ج ۲۰۴، ص ۲)